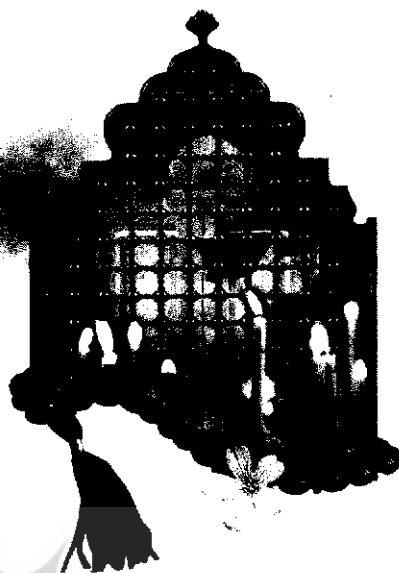


## برخی از اوصاف شیعیان در گام

باقر العلام

عبدالکریم پاک نیا



شیعیان را در یکی از سخنان خود بیان فرموده‌اند که در این مقاله به تبیین و توضیح آن می‌پردازیم.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيِّ عليه السلام الْمُتَّبَاعُونَ فِي وَلَايَتِنَا الْمُتَحَابُّونَ فِي مَوَدَّتِنَا الْمُتَزَاوِرُونَ لِإِخْيَابِ أَمْرِنَا الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَإِذَا رَضُوا لَمْ يَسْرِفُوا بَرَكَتُهُ عَلَى مَنْ جَاوَزُوا سَلْمًا لِمَنْ خَالَطُوا! <sup>۱</sup> همانا شیعیان علی علیه السلام ۷ آنهایند که در راه ولایت ما نسبت به یکدیگر [فداکاری و] بذل و بخشش می‌کنند، در محور دوستی ما همدیگر را دوست دارند، به خاطر

همانطور که از مفهوم کلمه شیعه بر می‌آید، پیروی، تبعیت و الگوپذیری از ائمه معصومین علیهم السلام در تمامی شؤونات زندگی، لازمه شیعه بودن است. در سخنان گهربار معصومین علیهم السلام خصوصیات و ویژگیهای یک پیرو واقعی بیان شده است تا بدین وسیله یادآور شوند که شیعه بودن صرفاً با ادعا و یا نامگذاری محقق نمی‌شود؛ بلکه شیعه واقعی کسی است که سعی و تلاش وافر خود را در جهت شناخت طریقه تبعیت و گام نهادن در این مسیر به کار گیرد. امام محمدباقر علیه السلام برخی از اوصاف

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، قم، نشر آل علی، ۱۳۸۳ ش، ص ۵۳۴.

احیای فرهنگ و معارف ما به دیدار  
همدیگر می‌روند، هرگاه خشمگین  
شوند، ظلم و ستم روا نمی‌دارند و هر  
گاه راضی و خشنود گردند، زیاده‌روی  
نمی‌کنند، موجب برکت برای  
همسایگان و مایه صلح و صفا برای  
همنشینان خود هستند.»

در این گفتار شریف، چند ویژگی  
برای شیعیان خالص علی علیه السلام عنوان شده  
است که هر یک می‌تواند انسان را به  
سوی کمالات مایل کرده، از صفات  
ناپسند دور کند که در ذیل به شرح آنها  
می‌پردازیم:

#### همبستگی بر اساس ولایت

افراد کمال یافته هرگز از ابراز  
دوستی و برقراری رابطه معنوی و  
عاطفی با هم کیشان خود دریغ نمی‌کنند.  
مطمئناً اگر محور این دوستی، ولایت و  
رهبری امامان معصوم علیهم السلام باشد، علاوه  
بر برکات فراوان دیگر پیوندی جاودانه  
به همراه خود خواهد آورد؛ چراکه این  
رشته ناگسستنی، حافظ وحدت و نظام  
جامعه دینی می‌باشد.

مولوی در مورد دوستی و انسجام  
امت اسلامی بر اساس دوستی اولیای

الهی می‌گوید:

نفس واحد از رسول حق شدند

ورنه هر یک دشمنی مطلق بُدند

آفرین بر عشق کل اوستاد

صد هزاران ذره را داد اتحاد

طبق سخن امام باقر علیه السلام بهترین

محور وحدت و همدلی، ولایت و

محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت

است. عشق راستین به خداوند و اولیای

الهی و پیروی از رهنمودهای انسان ساز

آن گرامیان می‌تواند باعث وحدت و

یکپارچگی و استحکام و انسجام روابط

انسانها در جامعه گردد. مولوی در ادامه

این گونه مثل می‌زند:

همچو خاک مفترق در رهگذر

یک سبوشان کرد دست کوزه گر

به طور حتم همان طوری که

موجودات مادی همانند خاکهای پراکنده

به دست هنرمند کوزه گر، متحد و

یکپارچه می‌شوند، ولایت اهل بیت علیهم السلام

نیز دل‌های پراکنده را در محور توحید و

امامت جمع می‌کند و انسجام می‌بخشد؛

البته با این تفاوت که اجتماع اجسام بر

اساس آب و گل و موقتی است، اما اتحاد

اهل ایمان با روح و جان و دل‌ها سامان

الضَّمَائِرَ فَلَا تَوَازُونَ وَلَا تَنَاصُحُونَ وَلَا تَبَادُلُونَ وَلَا تَوَادُّونَ؛<sup>۱</sup> به راستی که شما برادران دینی یکدیگرید. چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از همدیگر جدا نساخته است که نه یکدیگر را یاری می‌دهید و نه خیر خواه همدیگر هستید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه با یکدیگر دوستی می‌کنید!»

به راستی اگر افراد جامعه در پرتو ولایت و رهبری ائمه علیهم‌السلام با همدیگر پیوند ناگسستنی داشته باشند و با توأصل و تبادُل در صفوف متحد قرار گیرند، عزت و افتخار و عظمت و اقتدار بی نظیری خواهند داشت و شکوه و جلال خود را به رخ جهانیان خواهند کشید.

#### افراط نکردن در حالات خشم

به طور طبیعی هر انسانی بر اثر عوامل و زمینه‌هایی که برایش پیش می‌آید، گاهی خوشحال و گاهی نیز خشمگین و ناراحت می‌شود؛ اما اگر این حالات فطری با معیار دین و عشق

می‌پذیرد و تا جهان آخرت دوام دارد. و این اتحاد، عزت و شوکت و استقلال جامعه را در پی دارد.

به همین جهت، امیر مؤمنان علی علیه‌السلام به تبادُل و توأصل در میان مسلمانان به شدت تأکید می‌کرد. آن حضرت در آخرین سفارشهای خود فرمود: «وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاصِلِ وَالتَّبَادُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرَ وَالتَّقَاتُعَ؛<sup>۱</sup> بر شما باد به یکدیگر پیوستن و به همدیگر بخشش کردن! مبدا از هم روی گردانید و پیوندهای دوستی و محبت را [که در اثر ایمان و ولایت منا حاصل شده است] از میان ببرید!»

بار دیگر سخن امام باقر علیه‌السلام را مرور می‌کنیم: «به راستی که شیعیان علی علیه‌السلام در راه ولایت ما به همدیگر بذل و بخشش می‌کنند و در راه محبت ما همدیگر را دوست دارند و به خاطر احیای فرهنگ و اهداف ما به زیارت همدیگر می‌روند.»

این کلمات برگرفته از آموزه‌های امیر مؤمنان علی علیه‌السلام است که خطاب به یارانش فرمود: «وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا حُبُّ السَّرَائِرِ وَسُوءُ

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲. همان، خطبه ۱۱۳.

امام باقر علیه السلام هم در این سخن نمی فرماید که شیعیان علی علیه السلام خشمگین نمی شوند؛ چرا که خشمگین شدن اگر متعادل و در راه حق باشد، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه پسندیده و مورد رضای حق هم خواهد بود.

در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام آمده است که آن حضرت برای امور دنیا هرگز عصبانی نمی شد؛ اما هرگاه برای حق غضبناک می شد، احدی را نمی شناخت و خشم پیامبر صلی الله علیه و آله آرام نمی شد تا اینکه حق را یاری کند.<sup>۲</sup>

علامه طباطبایی رحمته الله در این زمینه می فرماید: «هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله خشمگین می شد - که جز برای خدا غضب نمی کرد - چیزی تاب مقاومت در برابر غضب آن حضرت را نداشت.»<sup>۳</sup>

آری یک انسان کامل فقط در راه حق و به خاطر پایمال شدن حقوق الهی

اهل بیت علیهم السلام همراه باشد، هرگز در آن افراط و تفریط دیده نخواهد شد.

کلام امام باقر علیه السلام در این زمینه رهنمود شایسته‌ای برای ماست. آن حضرت در مورد ویژگی شیعیان علی علیه السلام فرمود: «الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَإِذَا رَضُوا لَمْ يَنْسِرُوا؛<sup>۱</sup> آنان چنان‌اند که در هنگام خشم و غضب دست به ستم و گناه نمی‌آیند و هرگاه راضی و خوشنود شدند، افراط و زیاده روی نمی‌کنند.»

آری، غرایز انسانی همانند موتور محرک است که انسان را گاهی همانند طوفان و تندباد چنان به حرکت در می‌آورد که اگر مراقبتی صورت نگیرد، خسارتهای جبران ناپذیری در پی خواهد داشت؛ اما همین محرکها اگر به وسیله ایمان و باورهای قلبی و ارتباط با انسانهای کامل تعدیل و کنترل شود، از عواقب ناشایست به دور خواهند ماند.

همچنان که می‌دانیم غضب یکی از غرایز انسانی است و بهره‌های فراوانی برای انسان دارد و در دفاع از هویت و باورها و فرهنگ او نقش مهمی ایفا می‌کند.

۱. تحف العقول، ص ۵۳۴.

۲. معراج السعادة، ملا احمد نراقی، قم، نشر هجرت، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۲۶.

۳. سنن النبی، علامه محمد حسین طباطبایی، قم، نشر صلاة، ۱۳۸۵ ق، ص ۷۶.

ایمان راسخ و اعتماد به نفسی که دارند، هنگام بروز حالت عصبانیت بر وجودشان تسلط کامل دارند و تمام اعضا و جوارح آنان تحت فرمان عقل و ایمانشان قرار دارد.

### خشم مقدس

در این خصوص روایتی زیبا از سیره رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده است: حمزه بن عبدالمطلب، عموی بزرگوار و برادر رضاعی حضرت رسول ﷺ بود؛ زیرا حمزه از ثویبه اَسْلَمَهِه - دایه پیامبر ﷺ قبل از حلیمه سعديه - شیر خورده بود. حمزه از رسول خدا ﷺ چهار سال بزرگتر بود. او در جنگ احد ۶۰ سال داشت که به دست وحشی - غلام جبیر بن مطعم - به شهادت رسید. وحشی به تحریک و تطمیع هند - دختر عتبه بن ربیع و مادر معاویه بن ابی سفیان - حضرت حمزه سید الشهداء را مورد حمله غافلگیرانه قرار داده، به شهادت رساند. هند که از آن بزرگوار به شدت ناراحت بود و از حضرت حمزه به علت کشته‌های جنگ بدر کینه شدیدی داشت، بعد از شهادت حمزه اعضای بدن آن حضرت را مثله

و حقوق مردم خشمگین می‌شود. و در این مورد هم از مرز ایمان و حدود الهی خارج نمی‌شود.

### سه گروه متفاوت

در واقع انسانها را می‌توان در مورد این حالت نفسانی، به سه گروه تقسیم کرد:

۱. انسانهایی که در هنگام غضب افراط می‌کنند و از حد و مرز ایمان بیرون می‌روند. این‌گونه اشخاص همواره گرفتار اعمال ناپسند خود هستند و بسا که پشیمانی هم سودی به حالشان نخواهد داشت.

۲. افرادی که اساساً نمی‌توانند خشمگین شوند و اصلاً قوه غضبیه ندارند و در جاهایی که حتی شرع و عقل هم برای آنان عصبانیت را لازم دانسته است، به هیچ وجه حرکتی ندارند. اینان نه تنها عملی ناپسند و زشت انجام می‌دهند؛ بلکه از افراد عصبانی بدترند و افرادی بی غیرت و بی هویت تلقی می‌شوند.

۳. کسانی که بر اساس کمال وجودی خود هرگاه خشمگین شوند، از مرز اعتدال خارج نمی‌شوند. اینان با

کرده و حتی جگرش را بیرون آورده، از عمق کینه آن را در دهانش مکید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به بالین پیکر قطعه قطعه عمویش آمد و مشاهده کرد که در راه خدا چگونه بدنش متلاشی شده است، آن چنان ناراحت و عصبانی شد که فرمود: «به خدا سوگند! صحنه‌ای دلخراش‌تر از این صحنه ندیده بودم. اگر به خواست خداوند بر قریش پیروز شدم، هفتاد نفر از مردان قریش را مثله خواهم کرد.» در آن هنگام، جبرئیل علیه السلام نازل شد و برای دلداری پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه شریفه را نازل کرد: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ»<sup>۱</sup> «هر گاه خواستید کسی را مجازات و عقوبت کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر صبر کنید، این کار برای صبر کنندگان بهتر است.» پیامبر صلی الله علیه و آله نیز خشم خود را کنترل کرد و فرمود: «پس من صبر می‌کنم.»<sup>۲</sup>

### اجتناب از زیاده‌روی در هنگام

#### خوشحالی

امام باقر علیه السلام در تکمیل این سخن می‌فرماید: «وَإِذَا رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا»<sup>۳</sup> هر گاه

[شیعیان علی علیه السلام] از کسی خوشنود شدند، اسراف و زیاده‌روی نمی‌کنند. بلکه آنان در ستایش و تمجید و بخشش، حد اعتدال را در نظر می‌گیرند.

بعضی افراد همچنان که در حالت عصبانیت نمی‌توانند خود را کنترل کنند و برای انتقام به هر وسیله‌ای دست می‌زنند، در هنگام خوشحالی نیز چنین‌اند و برای ارضای حس خوشنودی خود افراط می‌کنند، بخششها و عطایای بی حد و حصر انجام می‌دهند که این یقیناً مورد رضایت خداوند سبحان نخواهد بود؛ چرا که خود فرمود: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۴</sup> «زیاده‌روی نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.»

حوزه زیاده‌روی در هنگام خوشحالی، خیلی وسیع‌تر از یک حادثه در زندگی انسانی است. عطا و بخشش و

۱. نحل / ۱۲۶.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶، ج ۱۱، ص ۴۵۸؛ جلوه‌هایی از نور قرآن، عبد الکریم پاک‌نیا، قم، نشر مشهور، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۶۹.

۳. تحف العقول، ص ۵۳۴.

۴. انعام / ۱۴۱.

در اینجاست که این فراز از کلام باقر آل محمد علیه السلام را باید نصب العین خود قرار دهیم که هر گاه امری خوشایند ما شد، در آن مورد تند روی و زیاده روی نکنیم.

مایه آرامش و برکت برای

#### اطرافیان

از منظر پیشوای پنجم، وجود یک شیعه پیرو علی علیه السلام همواره مایه برکت و خیر خواهی و آسایش و آرامش اطرافیان است. او هر جا گام نهد، اختلافات از میان می‌رود، تنشها فروکش می‌کند، و سوسه‌های شیطانی دور می‌شود و همه به یاد خدا می‌افتند و فضایل، کمالات، زیباییهای معنوی و شادی و آرامش به خاطر آن فرد وارسته در آن فضا حاکم خواهد شد.

امام با این جمله آنان را توصیف می‌کند که «بَرَكَتٌ عَلَى مَنْ جَاوَزُوا سَلْمًا لِمَنْ خَالَطُوا»<sup>۳</sup> [شیعیان علی علیه السلام] مایه برکت و

ابراز محبت نسبت به افراد، زیاده روی در روابط و معاشرتهای بیرونی، تشویقها و ستایشها و مداحیهای بی حد و حصر و غلو در هنگام ابراز دوستی با ائمه هدی علیهم السلام و اولیای الهی، افراط در باورهای دینی و... همه و همه نمونه‌های زیاده روی در هنگام خشنودی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته‌اند: «حُبِّكَ لِلشَّيْءِ يُغَيِّبُ وَيُصِمُّ»<sup>۱</sup> دوستی تو نسبت به هر چیزی، تو را کور و کر می‌کند.

به همین جهت، علی علیه السلام فرمود: «يَهْلِكُ فِي افْتَانٍ مُّحِبِّ مُفْرَطٍ وَ مُبْفَضٍ مُّفْرَطٍ»<sup>۲</sup> دو گروه در مورد من هلاک می‌شوند: دوست افراطی [و تندرو] و دشمن افراطی.

آری، هسمچنان که در عصر ائمه علیهم السلام برخی افراد به خاطر زیاده روی در عشق و رزی به اهل بیت علیهم السلام به چاه غلو و افراط سقوط کرده، عاقبت به شر شدند، در عصر ما هم هستند کسانی که به خاطر ضعف ایمان و سطحی بودن معرفت به مبانی دینی، دچار زیاده روی و غلو می‌شوند و ناخواسته در دام شیادان و تزویر کاران گرفتار می‌آیند.

۱. بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۱۶۶.

ح ۲.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۳. تحف العقول، ص ۵۳۴.

ویژگیهای اخلاقی این عالم وارسته دقیقاً آن گونه بود که حضرت باقر علیه السلام در اوصاف انسانهای کامل بیان کرده است. بذل و بخشش در راه ولایت ائمه علیهم السلام، غضب در محدوده ایمان و جلوه‌ای از صلح و صفا و خیر خواهی به امت مسلمان از ویژگیهای بارز این فقیه است. شیخ محمد رازی می‌نویسد:

«آیه الله مجاهد شیخ محمد تقی بافقی در توکل به خدا، کم نظیر و در یکتا پرستی و توحید، عجیب و در ولایت به خاندان رسالت، غریب و به مولایش حضرت ولی عصر علیه السلام ایمانی حضوری داشت. دائم الذکر، دائم الحضور و دائم الحال بود؛ نقش ذکر، سکوتش فکر و نظرش اعتبار و مشی‌اش با تواضع همراه بود. برای دانشجویان و طلاب، پدری مهربان و برای دانشمندان و علما برادری ناصح و برای اقشار مردم رهبری دلسوز و لایق بود. موعظه می‌کرد و نصیحت می‌نمود و اندرز می‌داد. منطقی جدید و بیانی قاطع و سخنانی آموزنده و تکان دهنده داشت. قلبی وسیع، دلی گشاده و گفتاری بزرگوارتر از شمشیر داشت.»

خیر و رحمت برای همسایگان و موجب صلح و صفا برای هم‌نشینان و اطرافیان خود هستند.»

یک مسلمان پیرو علی علیه السلام هرگز بخاطر منافع شخصی صلح و صفای جامعه را به هم نمی‌زند، سخنان تنش‌زا بر زبان جاری نمی‌کند، راه فتنه‌گری و بر هم زدن نظام امور مردم را در پیش نمی‌گیرد و دست به اقدامات التهاب‌زا و اضطراب‌آور برای مردم مسلمان نمی‌زند؛ بلکه گفتار، رفتار و حرکات و سکنت‌دلیپذیر و آرام بخش او، مردم مسلمان را خوشحال می‌کند، همسایگان را آسوده خاطر می‌نماید و اعضای خانواده‌اش را از اضطراب و ناراحتی بیرون می‌آورد. در یک کلام وجودش برای اهل ایمان، خیر و برکت و برای دشمنان حق، شکننده و مایهٔ رعب و وحشت است.

#### نمونه‌ای از انسانهای وارسته

در تفسیر سخنان حضرت باقر علیه السلام می‌توان به نمونه‌های آن نیز اشاره کرد که مادر اینجا به یکی از این تربیت یافتگان مکتب باقر العلوم علیه السلام و نمونه‌ای از شیعیان خالص اشاره می‌کنیم:



می‌رسد که زیر آن خشک و هوای آن معتدل چون هوای بهار است.

با اینکه تمام آن صحرا و بیابان را برف و کوران و سرمای سوزان احاطه کرده بود، در زیر آن درخت شخص نورانی و بزرگواری را که آثار وقار و عظمت از سیمایش هویدا بود، زیارت می‌کند. سلام می‌کند و پاسخ می‌شود که به او می‌فرماید: «شیخ محمد تقی بافقی! قهوه خانه چنانی شایسته تو نیست. بیا در همین جا شب را صبح کنیم.» و او تا صبح در حضور آن گرمی مستفیض می‌شود تا اینکه بعد از طلوع فجر نماز را با آن بزرگوار می‌خواند و همین که می‌خواهد حضرتش را بشناسد، امام با او وداع می‌کند و هنگامی که اصرار شیخ بافقی برای همراهی بیشتر می‌شود، می‌فرماید: «دو بار در این سفر با هم ملاقات خواهیم داشت یکی در قم، و دیگری در نزد یکی سبزوار.»<sup>۲</sup>

و امام خمینی علیه السلام در مورد این مرد فرزانه فرموده است: «هر کس بخواهد در این عصر مؤمنی را زیارت و دیدار کند که شیاطین تسلیم او و به دست وی ایمان می‌آورند، مسافرتی به شهری نموده، پس از زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام، مجاهد بافقی را ببیند.»<sup>۱</sup> به خاطر همین خصوصیات اخلاقی، معنوی و کمالات بود که آن گرمی مورد توجه حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفت. او در سفری که از نجف به سوی مشهد مقدس با پای پیاده روان بود، در منطقه کردستان به خاطر زمستان و برف شدید به قهوه خانه‌ای پناه می‌برد، اما با کمال تأسف می‌بیند که گروهی از الواط به قمار بازی و لهویات مشغول‌اند. ایشان چون نمی‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کند، با کمال ناراحتی در همان سرما و برف از قهوه خانه بیرون می‌رود. او همچنان که در فکر و اندیشه و حیرت بود که در این وضع بحرانی چه کند، صدای دلنواز و آرام بخشی را می‌شنود که او را به نام می‌خواند. در اثر آن صدا می‌رود و با شگفتی تمام به درخت سبز و خرمی

۱. گلشن ابرار، جمعی از نویسندگان، قم، نشر

نور السجاد علیه السلام، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص ۲۷۷.

۲. همان، ص ۲۸۲، به نقل از: آثار الحجة،

ص ۳۲.